

Drivers and Drivers of Convergence and Divergence in the Environmental Relations between the Islamic Republic of Iran and Iraq in the Regional Context of West Asia in the New Millennium

Hekmat Naser¹, Shahram Fattahi², HamidReza Saeedyi Nezhad³ 

¹ Department of Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
hekmatnaser1999@gmail.

² Department of Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran
(Corresponding author). Shahramfattahi@iau.ac.ir

³ Department of Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
Saeedynezhad@iau.ac.ir

Abstract

One of the primary topics that has attracted the attention of international relations scholars in strategic studies is the interpretation of the environmental relations between Iran and Iraq, focusing on the drivers and drivers of convergence and divergence between the two countries within the regional context of West Asia in the new millennium. The central research question is: What parameters influence the drivers and drivers of convergence and divergence in the environmental relations between Iran and Iraq within the regional context of West Asia? It appears that the drivers (convergence) can be interpreted through components such as geopolitics, geoeconomics, geoculture, and geostrategy, while the drivers (divergence) are influenced by factors like the impact of regional and international powers and identity-religious-nationalist actions. This applied research employs a qualitative approach with a descriptive-analytical method and utilizes library research. The findings indicate that Iran's strategy in the regional context of West Asia is interpreted based on components like the realm of understanding, the realm of transaction, and the realm of confrontation, with environmental relations with Iraq aligning with the realm of understanding. Additionally, effective drivers (convergence) are interpreted by highlighting Iran's role within the framework of smart power theory in environmental relations between Iran and Iraq, including subcomponents like popular mobilization and military initiative. Effective drivers (divergence) in the environmental relations between the two countries are interpreted within the framework of regional clustering theory and its subcomponents, such as the influence of regional and international powers and identity-religious-nationalist actions.

Keywords: Smart Power, Regional Clustering, Fragile Belt, Geopolitics, Regional Context of West Asia, Iraq, Iran, International Relations, Foreign Policy.

Cite this article: Naser, H., Fattahi, Sh. & Saeedyi Nezhad, H.R. (2025). Drivers and Drivers of Convergence and Divergence in the Environmental Relations between the Islamic Republic of Iran and Iraq in the Regional Context of West Asia in the New Millennium. *Iranian Political Research*, 12(2), p. 53-72.

Received: 2025/02/27 ; **Received in revised form:** 2025/03/30 ; **Accepted:** 2025/05/18 ; **Published online:** 2025/07/11

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University



پیشران‌ها و پسران‌های همگرایی و واگرایی در ارتباط محیطی جمهوری اسلامی ایران و عراق در محیط منطقه‌ای غرب آسیا در هزاره جدید

حکمت نامر^۱، شهرام فتاحی^۲، حمیدرضا سعیدی‌نژاد^۳

^۱ گروه علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

hekmatnaser1999@gmail

^۲ گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).

Shahramfattahi@iau.ac.ir

^۳ گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. Saeedynzhad@iau.ac.ir

چکیده

از اصلی‌ترین موضوعاتی که از منظر مطالعات استراتژیک، توجه قاطبه تحلیل گران سیستم بین‌الملل در مورد ارتباط محیطی دو کشور ایران و عراق را معطوف به خود نموده، تفسیر ارتباط محیطی پیشران‌ها و پسران‌های همگرایی و واگرایی دو کشور در محیط منطقه‌ای غرب آسیا در هزاره جدید است. سؤال این است که پیشران‌ها و پسران‌های همگرایی و واگرایی در ارتباط محیطی بین ایران و عراق در محیط منطقه‌ای غرب آسیا، متأثر از چه پارامترهایی است؟ به نظر می‌رسد که پیشران‌ها (همگرایی) در قالب مؤلفه‌هایی همچون ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، ژئواستراتژیک، و پسران‌ها (واگرایی) در قالب مؤلفه‌هایی همچون تأثیر قدرت‌های منطقه‌ای- بین‌المللی، و کنش‌های هویتی- مذهبی ناسیونالیسم قابل تفسیر است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و با روش کیفی و رویکرد توصیفی- تحلیلی و با شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که، استراتژی ایران در محیط منطقه‌ای غرب آسیا براساس مؤلفه‌هایی همچون حیطه مفاهمه، حیطه معامله و حیطه مقابله تفسیر می‌شود (ارتباط محیطی با عراق در راستای حیطه مفاهمه قابل تفسیر است). همچنین پیشران‌های مؤثر (همگرایی) با برجسته‌سازی نقش ایران در قالب تئوری قدرت هوشمند در ارتباط محیطی بین ایران و عراق و زیرسویه‌های آن

پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری با عنوان «مؤلفه‌های راهبردی (امنیتی- نظامی) ایالات متحده آمریکا در منطقه محیطی غرب آسیا و چالش‌های دفاعی- امنیتی آن برای ایران و عراق (۲۰۲۵-۲۰۱۵)»، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه می‌باشد.

استناد به این مقاله: نامر، حکمت؛ فتاحی، شهرام؛ سعیدی‌نژاد، حمیدرضا (۱۴۰۴). پیشران‌ها و پسران‌های همگرایی و واگرایی در ارتباط محیطی جمهوری اسلامی ایران و عراق در محیط منطقه‌ای غرب آسیا در هزاره جدید. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۲(۲)، ص ۵۳-۷۲.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



شامل بسیج مردمی و ابتکار عمل نظامی) قابل تفسیر است. پسران‌های مؤثر (واگرایی) در ارتباط محیطی دو کشور نیز در قالب تئوری خوشه‌بندی‌های منطقه‌ای و زیرسویه‌های آن شامل تأثیر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، و کنش‌های مذهبی- هویتی) قابل تفسیر است.

کلیدواژه‌ها: قدرت هوشمند، خوشه‌بندی منطقه‌ای، کمربند شکننده، ژئوپلیتیک، محیط منطقه‌ای غرب آسیا، عراق، ایران، روابط بین‌الملل، سیاست خارجی.

۱. مقدمه

محیط منطقه‌ای غرب آسیا همواره با نشانه‌هایی از بحران‌های امنیتی- سیاسی، تضادهای هویتی- مذهبی و تغییرات ژئوپلیتیکی همراه بوده است. دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق بازیگرانی در محیط منطقه‌ای غرب آسیا به حساب می‌آیند که شیعیان بخش غالب جمعیت آن‌ها را شکل داده و هویت شیعی پس از ظهور اسلام، بخشی از مناسبات آن‌ها را رقم‌زده است. به تعبیر بهتر، تاریخ جمهوری اسلامی ایران و عراق، تاریخ دو جریان ناسازگار همگرا و اگر در طول حیات سیاسی دو کشور بوده و تاکنون نیز این جریان ادامه داشته است. درحالی‌که مذهب و هویت شیعی همواره موجب نزدیکی (همگرایی) بین ایران و عراق شده، هویت‌ها و مؤلفه‌هایی همچون ناسیونالیسم، شووینیسیم، سکولاریسم و هویت‌های غیرشیعی، واگرایی بین دو کشور را شکل داده است (مصلی‌نژاد، ۱۴۰۳، ص ۳۱). بازیگران محیط منطقه‌ای در ساختار سیستم بین‌الملل، تحت تأثیر ساخت امنیتی و چگونگی توزیع قدرت بازیگران اصلی نظام جهانی قرار دارند. لذا، تغییر در شکل‌بندی‌های ساختاری، یکی از عوامل اصلی تغییر در توازن محسوب می‌شود. لذا، شکل‌بندی‌های ساختاری یکی از عوامل اصلی تغییر جایگاه بازیگران در محیط منطقه‌ای به حساب می‌آید. جمهوری اسلامی ایران و عراق همواره و در طول تاریخ سیاسی خود روابط همگرایانه و واگرایانه‌ای داشته‌اند. تفسیر ارتباط محیطی و پسران‌ها و پسران‌های همگرایی و واگرایی دو کشور در محیط منطقه‌ای، ازجمله مسائلی است که موردتوجه پژوهشگران و تئوری‌پردازان قرار داشته است. در این راستا، مسئله پژوهش حاضر این است که، روند همگرایی و واگرایی ارتباط محیطی- منطقه‌ای دو کشور متأثر از کدام پارامترها می‌باشد.

سؤال این است که پسران‌ها و پسران‌های همگرایی و واگرایی در ارتباط محیطی بین ایران و عراق در محیط منطقه‌ای غرب آسیا، متأثر از چه الگوواره‌هایی (مؤلفه‌هایی) است؟ به نظر می‌رسد که پسران‌ها (همگرایی) در قالب مؤلفه‌هایی همچون ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر و ژئواستراتژیک، و پسران‌ها (واگرایی) در قالب مؤلفه‌هایی همچون (تأثیر قدرت‌های منطقه‌ای- بین‌المللی، کنش‌های هویتی- مذهبی، ناسیونالیسم) قابل تفسیر است. هدف کلی از طرح پژوهش حاضر، تأثیر ارتباط محیطی دو کشور ایران و عراق در محیط منطقه‌ای غرب آسیا بر منافع و استراتژیک یکدیگر می‌باشد. بنابراین، بایستی اذعان نمود، همسایگانی که در یک موقعیت جغرافیایی واحد قرار دارند، به نحو اجتناب‌ناپذیری بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. فقدان تفاهم راهبردی از یک‌سو و فقدان هماهنگی‌های فکری و سیاست‌گذاری از سوی دیگر، زمینه برداشت نادرست میان کشورها را افزایش می‌دهد. سیستم‌ها و ساختارها برای تصرف فرصت‌ها و مقدرات، در مکان و محیط منطقه‌ای غرب

آسیا به رقابت می‌پردازند و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضای جغرافیایی توسعه داده و به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند. محیط منطقه‌ای غرب آسیا همواره محل منازعه و کشمکش قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. عکس‌العمل بازیگران (منطقه‌ای و بین‌المللی) به اتفاقات صورت گرفته در محیط منطقه‌ای غرب آسیا، بر استراتژی همه بازیگران در این محیط تأثیرگذار است. ایران و عراق بازیگرانی در محیط منطقه‌ای غرب آسیا به حساب می‌آیند که شیعیان بخش غالب جمعیت آن‌ها را شکل داده و هویت شیعی پس از ظهور اسلام، بخشی از مناسبات آن‌ها را رقم زده است. بنابراین، با تمامی این اوصاف و به صورت خلاصه، هدف از طرح پژوهش حاضر، تفسیر پیشران‌ها و پسران‌های ارتباط محیطی دو کشور ایران و عراق در منطقه محیطی غرب آسیا در هزاره جدید می‌باشد. دو کشور همسایه یعنی جمهوری اسلامی ایران و عراق به عنوان دو بازیگر تأثیرگذار در محیط منطقه‌ای غرب آسیا، در طول سالیان گذشته و بخصوص هزاره جدید، همواره تحت تأثیر کنش‌های همگرایانه و واگرایانه برخاسته از واقعیت‌های جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی فی‌مابین در منطقه موردنظر بوده‌اند. بنابراین، اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر نیز بدان خاطر است که تحلیلگران دو کشور، پیشران‌ها و پسران‌های همگرایی و واگرایی دو کشور را بیشتر و بهتر شناخته و با تأسی از پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، برای آینده برنامه‌ای جامع و مدون ترسیم نمایند.

۲. مبانی نظری

۲-۱. پیشینه پژوهش

مصلی‌نژاد (۱۴۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان موضوعی «بحران‌های منطقه‌ای، جنگ غزه و آینده سیاسی جهان اسلام» معتقد است که بحران‌های منطقه‌ای از جمله جنگ غزه، مهم‌ترین بحران دهه سوم قرن بیست و یکم بوده و نشانه‌هایی از تغییرات هویتی، تکنولوژیک و ژئوپلیتیکی شده و این مسائل سبب تغییر نظم و موازنه قوای منطقه‌ای گردیده و آینده محیط پیرامونی ایران را با چالش‌هایی روبرو کرده است. علی‌یاری و رنجبر (۱۴۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مجموعه امنیتی خاورمیانه با تأکید بر قدرت هوشمند (مطالعه موردی بحران عراق و سوریه)» معتقدند که مشکلات موجود در منطقه پرآشوب خاورمیانه، باعث برجسته‌سازی نقش ایران در این منطقه شده است. اما به‌رغم مخالفت قدرت‌های بزرگ همچون ایالات متحده در این منطقه، جمهوری اسلامی ایران راهبردی منطقی و هوشمندانه با کشورهای منطقه در مسئله بحران‌های موجود در این منطقه داشته است. الرواشدی^۱ (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان «عرب‌های سنی عراق؛ تاریخ،

1. Allravashedi

واقعیت و آینده‌شان»، به مباحث گذشته، حال و آینده سنی‌های عراق پرداخته و موضوعات تاریخی این کشور از زمان عثمانی، انقلاب‌های عشرين و دوره کنونی را با روایتی متفاوت و متمایل به سنی‌ها و حاکمان سابق بررسی کرده است. این پژوهش دیدگاه بدبینانه‌ای درباره شیعیان عراق و ایران ارائه داده است (الرواشدی، ۲۰۱۲). گالبرایت^۱ (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «پایان عراق: چگونه بی‌کفایتی آمریکا جنگ نافرجامی را رقم زد؟»، عنوان می‌کند که آمریکا در زمان کوتاهی توانست عراق را به اشغال خود درآورد، برای دوران پس از اشغال هیچ برنامه‌ای نداشت و این عدم برنامه موجب شعله‌ور شدن جنگ داخلی شده است که عملاً به تجزیه عراق منجر شد. تجزیه عراق به سه کشور، بهترین گزینه برای آینده عراق است. اندرسون^۲ و استنسفیلد^۳ (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان «آینده عراق: دیکتاتوری، دموکراسی یا تجزیه؟»، با توجه به آمال و اهداف هرکدام از گروه‌های عراقی، پیش‌بینی‌هایی را در مورد چالش‌ها و یا همکاری‌های این گروه‌ها با یکدیگر در حکومت آینده عراق انجام داده‌اند و عمده بحث آن‌ها چالش‌های دموکراسی در عراق آینده است. الزیدی^۴ (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر سیاست خارجی عراق در پرتو تحولات جدید» معتقد است که تحولات به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند. در بخش عوامل داخلی هشت عامل اقتصادی، دینی، جغرافیایی، ایدئولوژیک، جمعیتی، نظامی، تمدنی و فن‌آوری را می‌توان نام برد. اما در بخش عوامل خارجی به سیاست خارجی دولت‌های هم‌جوار عراق یعنی ایران، ترکیه، عربستان، سوریه، کویت و اردن می‌توان اشاره کرد. الشمری^۵ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «سیاست خارجی عراق: توازن شکننده»، به بررسی تغییرات رویکرد توازن‌گرایی در سیاست خارجی عراق در سال‌های پس از سقوط صدام پرداخته و معتقد است که در این سال‌ها سیاست خارجی عراق میان دو وضعیت توازن و وابستگی در نوسان بوده است. بارنز^۶ (۲۰۲۴)، در پژوهشی با عنوان «فراتر از نیروهای نیابتی: استراتژی عمیق‌تر ایران در سوریه و لبنان»، معتقد است که محور مقاومت یک قدرت و بازیگر واحد است که درصدد تقویت همگرایی و قدرت خود در محور تحت نفوذ می‌باشد و در این راستا کمک‌های جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان تأمین‌کننده و مبدأ محور مقاومت در اختیار دارد.

بررسی ادبیات مربوط به پژوهش حاضر حاکی از آن است که پژوهش‌هایی که در مورد ایران در

1. Gallberayte
2. Anderson
3. Stensfeilld
4. Allzobaydi
5. Allshemri
6. Jollean Barenz

این حوزه صورت گرفته‌اند، به مؤلفه‌ها و نتایجی همچون تأثیر ژئوپلیتیک جغرافیایی ایران در محیط منطقه‌ای غرب آسیا، تأثیر قدرت هوشمند ایران برای پیشبرد اهداف خود در این محیط، و تأثیر ظرفیت‌های ژئوپلیتیک ایران در محیط منطقه‌ای غرب آسیا برای پیشبرد اهداف اشاره دارند. در مجموع تحقیقات پیشین استراتژی سیاست خارجی عراق را به خصوص بعد از سقوط صدام (۲۰۰۳)، بر مبنای عمل‌گرایی کوچک و در راستای حفظ بقای نظام خود در محیط منطقه‌ای غرب آسیا و همچنین جامعه سیاسی عراق را که جامعه‌ای چندوجهی و پیچیده سیاسی است، بررسی کرده‌اند. پژوهش‌های خارجی نیز به تفسیر محور مقاومت در راستای همگرایی منطقه‌گرایی در محیط منطقه‌ای، تأثیر قدرت‌های بزرگ در محیط منطقه‌ای غرب آسیا در راستای همگرایی و واگرایی پرداخته‌اند. نوآوری پژوهش حاضر در این است که با نگاهی بدیع موضوع پیشران‌ها و پسران‌های همگرایی و واگرایی دو کشور ایران و عراق را در محیط منطقه‌ای غرب آسیا، با استفاده از تئوری قدرت هوشمند و نظریه کمر بند شکننده تفسیر نموده، و در این زمینه به داده‌ها و یافته‌های قابل توجهی دست پیدا کرده است.

۲-۲. مفاهیم پژوهش

کمر بند شکننده: یکی از جغرافی‌دانان سیاسی به نام سائول کوهن^۱ معتقد است که منطقه خاورمیانه و به تبع آن محیط استراتژیک غرب آسیا در سیستم ژئوپلیتیک جهانی وضعیت متزلزل و در حال تغییر، و به عبارتی وضعیت شکننده‌ای دارد. از دیدگاه سائول کوهن، کمر بند شکننده را می‌توان یک منطقه وسیع با موقعیت استراتژیک اشغال شده توسط دولت‌های در حال کشمکش که بین منافع متضاد قدرت‌های بزرگ گیر کرده‌اند، نامید. محیط استراتژیک غرب آسیا بین دو قدرت بری (روسیه) و بحری (آمریکا) قرار دارد. در فضای محیط امنیت شکننده، هیچ بازیگری از امنیت مطلق و صددرصدی برخوردار نیست (کوهن، ۱۳۸۷، ص ۵۷۱). قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر با چالش‌ها و تهدیدات ژئوپلیتیکی روبرو می‌شوند. لذا، به دلیل بی‌اعتمادی به محیط امنیت منطقه‌ای و شکننده بودن آن، ائتلاف‌سازی تاکتیکی در روابط بازیگران به وجود می‌آید (مصلی‌نژاد، ۱۴۰۳، ص ۳۳).

قدرت هوشمند: اصطلاح قدرت هوشمند را اولین بار سوزان ناسل^۲ به کار گرفت. ناسل اعتقاد دارد که قدرت هوشمند به معنای ترکیب هدفمند و هوشمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات است. قدرت هوشمند موردنظر ناسل، برآیند نقاط قوت و حذف نقاط ضعف دو قدرت

1. Kohean

2. Nasell

سخت و نرم می‌باشد که معتقد به تقویت و هماهنگی تمام قوا برای تداوم و بهبود برتری کشور موردنظر در جهان است. جایگزینی سیاست جذب به جای سیاست جبر، قدرت برتری مانند ایالات متحده آمریکا در صحنه بین‌المللی است. به عبارت دیگر، ایالات متحده آمریکا به جای اجبار و تحت فشار قرار دادن کشورها در محیط امنیتی دیگر مناطق جهان از طریق خشونت یا حتی عدم خشونت که موجب تضعیف محبوبیت و همچنین حس بی‌اعتمادی می‌شود، درصدد جذب ملت‌ها با بهره‌گیری از تمام اهرم‌های موجود و در دسترس، در زمان و مکان موردنظر است (Smagin, 2023, p. 7).

خوشه‌های منطقه‌ای: باری بوزان^۱ در ارتباط با محیط ارتباطی و شکل‌گیری نظم سلسله مراتبی در سیستم بین‌الملل معتقد است، برخلاف دوران جنگ سرد، نظم سلسله مراتبی در قرن جدید، یک یا دوقطبی و حتی چندقطبی نیست، بلکه در سیستم جدید شاهد بازیگران متعددی هستیم که بعضی از آن‌ها ابرقدرت (آمریکا) بوده، برخی قدرت بزرگ (چین و روسیه) هستند، برخی نیز قدرت منطقه‌ای (هند، ایران، ترکیه، عربستان و...) هستند و بسیاری دیگر (نپال و لائوس و...) قدرت کوچک هستند. از دیدگاه این مدل، هرکدام از خوشه‌ها یا مجموعه‌های منطقه‌ای، خود یک یا دو قطب هستند. به عنوان مثال، در جنوب آفریقا شاهد سیستم تک‌قطبی هستیم، در آسیای جنوبی شرقی دو قطب برتر به چشم می‌خورد و در خاورمیانه و غرب آسیا شاهد نظام چندقطبی هستیم. از دیدگاه بوزان، دو عامل اساسی که باعث تشکیل خوشه‌های منطقه‌ای می‌شوند، عبارتند از هویت دیرپا یا جدید و هم‌جواری جغرافیایی (بوزان و واری، ۱۳۸۷، ص ۲۱۷).

ژئوپلیتیک: ژئوپلیتیک یعنی موقعیت کشورهایی که در یک موقعیت جغرافیایی واحد قرار دارند و به نحو اجتناب‌ناپذیری بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. محیط مشترک جغرافیایی و هم‌جواری سرزمینی می‌تواند به عنوان عاملی اساسی در پیوند کشورها و نزدیک کردن راهبردها و سیاست‌های آن‌ها با هم باشد. دو کشور جمهوری اسلامی ایران و کشور عراق دارای اشتراکات ژئوپلیتیک زیادی هستند و این اشتراکات از زمینه‌های مهم در پیوند استراتژیک ایران و عراق محسوب می‌شوند. دو کشور ایران و عراق دارای بیش از ۱۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک از دهانه فاو تا دالامپراغ هستند. ویژگی این مرز به نحوی است که با همه همسایگان متفاوت است. به طوری که هیچ‌کدام از مرزهای این کشور با همسایگان به اندازه این مرز دچار دگرگونی نشده است. یکی از مشکلات عراق در حوزه ژئوپلیتیک، به مسئله تنگنای دریایی این کشور برمی‌گردد. عراق از جمله کشورهایی است که سواحل بسیار کوتاهی نسبت به قلمرو خود دارد و این واقعیت سبب تعیین تنگنای ژئواستراتژیک از نظر دسترسی مناسب به دریا برای این کشور شده است (کشیشیان سیرکی، ۱۴۰۳، ص ۲۱-۲۰).

منطقه محیطی جهان اسلام (منطقه غرب آسیا): جهان اسلام به یازده منطقه جغرافیایی محدودتر شامل: جنوب شرق آسیا، جنوب آسیا، فلات ایران، آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه، اروپای جنوب شرقی، شمال آفریقا، شرق آفریقا، غرب آفریقا، آفریقای مرکزی و شبه جزیره عربستان تقسیم می‌شود. محیط منطقه‌ای غرب آسیا که اساساً به عنوان مرکز ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی جهان اسلام از آن نام می‌برند، از چند منطقه ژئوپلیتیک مجزا شکل گرفته است. پراکندگی کشورهای مسلمان در سه قاره و عدم پیوستگی و یکپارچگی این کشورها، باعث ایجاد تنوع و تفاوت‌های فاحشی در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورهای جهان اسلام شده است. منطقه محیطی غرب آسیا از لحاظ جغرافیایی در مرکز تقاطع سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا قرار گرفته، به طوری که از ناحیه کشور ترکیه به اروپا، و از کشور مصر به آفریقا متصل می‌باشد. در این منطقه دولت‌های قدرتمند به سمت یافتن تهدید خارج از کشور حرکت می‌کنند، در حالی که دولت‌های ضعیف بر سر امنیت با بازیگران فروملی رقابت دارند (جعفری و کلانی، ۱۴۰۳، ص ۱۰).

۲-۳. چارچوب نظری

۲-۳-۱. کمر بند شکننده و قدرت هوشمند

تحلیل فضای محیطی - منطقه‌ای دو کشور ایران و عراق بدون تحلیل فضای منطقه‌ای غرب آسیا امکان‌پذیر نیست. غالب بازیگران اصلی نظم‌دهنده در منطقه غرب آسیا نظیر ایران، عراق، عربستان، ترکیه، رژیم صهیونیستی و... در این منطقه حضور دارند. جان. اف. کندی^۱ طی سخنانی که در پارلمان اروپا داشت، اظهار کرد که «جغرافیا ما را همسایه، و تاریخ ما را دوست هم کرده است، افسوس اما در منطقه خاورمیانه، جایی که قدرت‌ها با منافع مختلف حضور دارند، جغرافیا اینها را همسایه کرده، اما تاریخ آن‌ها را دوست هم نکرده است» (ترز‌مپور، ۱۴۰۳، ص ۸۰). کوهن معتقد است که منطقه خاورمیانه و به تبع آن محیط استراتژیک غرب آسیا، در سیستم ژئوپلیتیک جهانی وضعیت متزلزل و در حال تغییر، و به عبارتی وضعیت شکننده‌ای دارد. کوهن با ترسیم محیط جغرافیایی سیستم بین‌الملل، سهم منطقه ژئواستراتژیک را تعیین کرده که در این مناطق، منازعه، کشمکش و جنگ وجود نداشته و به اصطلاح مناطق باثبات می‌باشند. نخستین منطقه ژئواستراتژیک، آتلانتیک؛ نقطه دوم منطقه اوراسیا، و نقطه سوم منطقه شبه‌قاره هند است. در مقابل این ترسیم محیطی، کوهن تصویری را که در قالب ژئوپلیتیک آشوب از غرب آسیا ارائه داده می‌شود، در قالب «کمر بند شکننده» تبیین می‌کند. وی مفهوم کمر بند شکننده را در تبیین ویژگی‌های ساختاری غرب

1. Kenedi

آسیا به کار می‌برد و بر واقعیت‌های ژئوپلیتیکی تأکید ویژه دارد (کوهن، ۱۳۸۷، ص ۵۷۴). قدرت هوشمند را اولین بار سوزان ناسل به معنای ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات به کاربرد. به اعتقاد وی، منابع اجباری و اقناعی شامل توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک باید در یک جهت هماهنگ شوند، تا برآیند آن تداوم برتری کشور را تضمین و تدوین کند (Zakaria, 2019, p. 46). در ادامه جوزف نای^۱ قدرت هوشمند را به‌عنوان نظریه‌ای در روابط محیط بین‌الملل تعریف نمود که می‌تواند قدرت سخت و نرم را با یکدیگر ترکیب کرده و نتیجه آن دو را به‌صورت یک استراتژی پیروزمند درآورد. بنابراین، قدرت هوشمند را می‌توان موقعیت‌محور نامید. در این نوع از قدرت می‌توان با استفاده راهبردی از دیپلماسی، ترغیب کردن، ظرفیت‌سازی و نفوذ، به هدف موردنظر دسترسی پیدا کرد. بدین ترتیب واحدهای سیاسی می‌توانند متناسب با دو عنصر زمان و مکان، راهبردهای متفاوتی را در دستور کار خود قرار دهند (علی‌یاری و رنجبر، ۱۴۰۳، ص ۷).

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت بنیادی، از نوع نظری- کاربردی بوده و روش آن مطالعه اسنادی (کیفی) مبتنی بر رویکرد توصیفی- تحلیلی می‌باشد. همچنین از چارچوب نظری کمر بند شکننده سائول کوهن و قدرت هوشمند سوزان ناسل استفاده شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در محیط منطقه‌ای غرب آسیا در

هزاره جدید

استراتژی سیاست خارجی ایران در هزاره جدید، با هرکدام از پانزده همسایه خود شرایط متفاوتی از سطح روابط و همکاری‌ها را تجربه نموده است. لذا، نمی‌تواند الگوی مشخص همگرایی در منطقه غرب آسیا داشته باشد (Barenz, 2024). برای بومی‌سازی همگرایی این کشور در منطقه محیطی غرب آسیا و طراحی مدل دوستی و دشمنی، می‌توان مدلی طراحی نمود که براساس مفاهیم، معامله و مقابله باشد. این حیطه‌ها می‌توانند بین ایران و همسایگانش با توجه به سطح روابط و الگوهای دوستی و دشمنی، طراحی، به‌کارگیری و اجرا شوند (کشیشیان سپرکی، ۱۴۰۳، ص ۱۲).

الف) حیطه مفاهیم: مقصود از حیطه مفاهیم، همگرایی جمهوری اسلامی ایران با همسایگانی است که به لحاظ فرهنگی، تاریخی و قومیتی و یا مذهبی، با این کشور تشابهاتی دارند. لذا، اغلب

همسایگانی که در حیطه مفاهمه با ایران قرار می‌گیرند، درک نسبتاً خوب و بالایی در خصوص تعامل با این کشور داشته و دارند. همسایگانی مانند عراق، افغانستان، عمان و ارمنستان در این حیطه قرار می‌گیرند (Barenz, 2024).

ب) حیطه معامله: منظور از حیطه معامله، همگرایی ایران با همسایگانی است که ملاک اصلی تعامل را در حوزه تعاملات (اقتصادی) اصل حفظ رابطه همسایگی، موضوعات توسعه‌ای و نیز حفظ ثبات قرار داده‌اند که در بیشتر نظریات همگرایی اروپایی همچون کارکردگرایی، همکاری اقتصادی و توسعه‌ای، مبنای همگرایی به‌شمار می‌رود. بعضی همسایگان همچون ترکیه و ترکمنستان و قزاقستان، به دلیل اقتضای اقتصادی، روسیه به دلیل اقتضای راهبردی، کویت به دلیل اقتضای سیاسی و فرهنگی، پاکستان به دلیل اقتضای جغرافیایی و آذربایجان به دلیل اقتضای جغرافیایی و فرهنگی، در حوزه همسایگان معامله قرار دارند (جعفری و کلانی، ۱۴۰۳، ص ۱۲).

ج) حیطه مقابله: هرچند نظام آنارشیک محیط بین‌الملل سبب بی‌اعتمادی و مانعی عمده بر سر راه همگرایی میان کشورهاست. اما با تحلیل همین نگاه مشخص می‌شود که همکاری برای رفع تهدید، از جمله راهکارهای همگرایی در محیط آنارشیک سیستم بین‌الملل است. کشوری همچون امارات متحده عربی با وجود اینکه حجم بالایی از مراودات اقتصادی با ایران را دارد، اما در زمره کشورهای مقابل (حیطه تقابل) قرار دارد. عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی و قطر کشورهای تعریف‌شده در این حوزه هستند (کشیشیان سیرکی، ۱۴۰۳، ص ۱۴). در مجموع، کشوری همچون عراق در تعاملات همگرایی با ایران جزو گروه مفاهمه به‌حساب می‌آید. در حیطه مفاهمه یکی از مؤلفه‌های مهم، پیشینه ارتباطات فرهنگی- اجتماعی است. همسایگان حوزه مفاهمه همچون عراق در انبوه تعاملات با ایران (به‌خصوص بعد از تحولات ۲۰۰۳ میلادی به بعد) قرار داشته‌اند (الزبیدی، ۲۰۲۲). مؤلفه‌هایی همچون زبان، قومیت، نژاد، ایل و طایفه مشترک، آداب و رسوم اجتماعی مشترک، تجارت و مراودات اجتماعی مانند ازدواج و مانند اینها بین دو ملت وجود داشته و دارد. آثار این تعاملات در پوشش و آداب و رسوم اجتماعی، معماری ساختمان‌ها، لغات مشترک، اسامی فارسی ساکنین این کشورها همچون عراق، قابل مشاهده می‌باشد (الشمری، ۲۰۲۲).

۴-۲. پیشران‌های همگرایی بین ایران و عراق در محیط منطقه‌ای غرب آسیا

دو کشور ایران و عراق به عنوان دو بازیگر تأثیرگذار همسو در هزاره جدید در محیط منطقه‌ای غرب آسیا، همواره تحت تأثیر کنش‌های همگرایانه و واگرایانه برخاسته از واقعیت‌های جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی فی‌مابین در منطقه موردنظر بوده‌اند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۶۴).

الف) ژئوپلیتیک: همسایگانی که در یک موقعیت جغرافیایی واحد قرار دارند، به نحو اجتناب‌ناپذیری بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. دو کشور ایران و عراق دارای اشتراکات ژئوپلیتیک زیادی بوده و این اشتراکات از زمینه‌های مهم در پیوند استراتژیک دو کشور به‌شمار می‌آیند. عراق ازجمله کشورهایی است که سواحل بسیار کوتاهی نسبت به قلمرو خود داشته و تنگنای جغرافیایی کشور عراق، برای دسترسی به خلیج فارس، همواره ادعای مالکیت بر اروندرود را داشته و همین ادعا زمینه‌ساز و بهانه جنگ هشت‌ساله با ایران شد. دسترسی عراق به آب‌های خلیج فارس، به خط کرانه‌ای کوتاهی حدود ۶۰ کیلومتر محدود است (الرواشدی، ۲۰۱۲). محدودیت دسترسی به خلیج فارس، عراق را با مشکلاتی در زمینه توسعه تأسیسات نفتی و قابلیت نظامی - اقتصادی مواجه می‌کند. با این وصف، به‌رغم منابع غنی انرژی، عراق برای انتقال نفت به بازارهای بین‌المللی با تنگنای ژئوپلیتیکی مواجه است. دسترسی اندک عراق به آب‌های آزاد و قرار گرفتن بندرهای صادرات نفت این کشور در حاشیه مرزهای ایران و نیز مالکیت مشترک بر رودخانه اروندرود، موجب شده تأمین امنیت این کشور به نفت‌کش‌های انتقال‌دهنده نفت خام، در گرو همکاری با ایران باشد (کشیشیان سیرکی، ۱۴۰۳، ص ۲۲).

ب) ژئواکونومیک: ژئواکونومیک یعنی تأکید بر منابع انرژی دو کشور که شامل ذخایر نفت، گاز و تولید برق می‌باشد. دو کشور دارای اقتصاد تک‌محصولی بوده و وابستگی شدیدی به نفت دارند، و به‌شدت از تغییر و تحولات در بازار نفت تأثیر می‌پذیرند. به لحاظ اینکه هر دو کشور برای بازسازی و توسعه خود به منابع مالی هنگفت نیاز دارند، هر دو به سیاست‌های اوپک برای به حداکثر رساندن عواید نفتی علاقه‌مند هستند. هرچند میدان مشترک نفت و گاز می‌تواند حامل همگرایی باشد؛ زیرا رونق صنعت نفت عراق موجب نقش‌آفرینی بیشتر این کشور در اوپک بوده و با توجه به ماهیت دولت عراق در بلندمدت تحولات این کشور از طریق اوپک موجب تقویت روند همگرایی و دوستی با ایران می‌شود (Anderson & Stansfeld, 2014, p. 37).

۴-۳. پیشران‌های ژئوپلیتیکی همگرایی عراق در ارتباط با ایران

عدم بلوغ ژئوپلیتیکی عراق ناشی از جغرافیای سیاسی نابسامان آن است که به موازات تحولات بین‌المللی تغییر می‌کند. تنگنای ژئوپلیتیکی عراق و گسست در ساخت ژئوپلیتیک ایران، سبب شد عراق درصدد گسترش ژئوپلیتیک خود برآید. اقداماتی نظیر هم‌پیمانی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای بر مبنای هویت‌های ملی، فشار سیاسی - نظامی و شکل‌گیری منازعه مستقیم با ایران، و حمله به کویت، همگی جزء سیاست‌های منطقه‌ای عراق بوده که با هدف بسط ژئوپلیتیک عراق و تثبیت قدرت منطقه‌ای این کشور در این منطقه رخ داده است (گالبرایت، ۱۳۹۲).

خلاً حاکمیت مقتدر و یکپارچه سبب شد تا گروه‌های اجتماعی و طیف‌های سیاسی، ضمن اعلام موجودیت، درصدد اعمال حاکمیت جداگانه بر پهنه سرزمین تحت تسلط خود برآیند. تفرق اجتماعی و مذهبی سبب شده تا در هزاره جدید، استراتژی ژئوپلیتیکی عراق متمرکز بر احیاء دولت-ملت‌سازی شده و درصدد تقویت هویت ملی ازهم گسیخته خود باشند که تحت تأثیر هویت‌های قومی-مذهبی، به سمت واگرایی و تجزیه قرار گرفته‌اند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۷۱).

۴-۴. تأثیر قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بر پیشران‌های همگرایی عراق در محیط منطقه‌ای

تحولات سیاسی ایجاد شده از سال ۲۰۱۱ در عراق، عرصه‌هایی برای قدرت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای فراهم نموده تا در آن معادلات و رقابت‌های خود را دنبال کنند (علی یاری و رنجبر، ۱۴۰۳، ص ۲). رویکرد امریکا درباره تحولات عراق در هزاره جدید را می‌توان در دیدگاه تحلیلی افرادی همچون جو بایدن^۱، لزلی گلف^۲ و پیتر گالبرایت^۳ جستجو نمود. آنها معتقدند که بهترین راه برون‌رفت از چالش‌ها و منازعات قومی و مذهبی در عراق، تقسیم این کشور به سه بخش شیعه‌نشین در جنوب، سنی‌نشین در مرکز و کردنشین در شمال (فدرالیسم) است (گالبرایت، ۱۳۹۲). بنابراین، بررسی راهبردهای عینی و عملیاتی امریکا در مورد عراق کنونی، دو سطح از واقعیت را نشان داده است. سطح نخست و اصلی حمایت از نظام سیاسی فدرالی به شکل کنونی در عراق و مخالفت با تجزیه این کشور است. در همین زمینه رکس تیلرسون^۴ وزیر وقت خارجه ایالات متحده در سال ۲۰۱۷ با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که امریکا نتایج همه‌پرسی کردستان عراق را به رسمیت نمی‌شناسد. در سطح دوم نیز تلاش امریکا برای حفظ روابط خود با جوامع مختلف عراقی مانند کردها و اهل سنت، مجزا از روابط با بغداد است (الزبیدی، ۲۰۱۸). حمایت‌های امریکا از کردها باعث تفسیر اشتباه نسبت به رویکرد کلان این کشور در قبال عراق شده است. اتحادیه اروپا از گسترش بی‌ثباتی در محیط منطقه‌ای غرب آسیا در نتیجه تجزیه عراق نگران است؛ زیرا پیامدهای آن مانند گسترش تروریسم و هجوم آوارگان به اروپا را خطرناک می‌داند و بدین سبب با تجزیه عراق مخالف است (الشمري، ۲۰۲۲). روسیه نیز با وجود تلاش برای بهبود روابط با کردهای عراق، به دلایل مختلفی مانند سیاست کلان حمایت از دولت‌های مرکزی در محیط منطقه‌ای، اقلیت‌های قومی و مذهبی داخل کشور و آسیب‌پذیری درونی، نگرانی از تأثیرات بی‌ثبات‌کننده تجزیه عراق بر

1. Baeydan
2. Lezlli Gellp
3. Peater Galberaet
4. Reks Teallerson

گسترش افراط‌گرایی و سوءظن نسبت به سیاست‌های امریکا در منطقه، از عراق واحد حمایت می‌کند (اسدی و راستگو، ۱۳۹۸، ص ۱۵۹).

۴-۵. پیشران‌های مؤثر ایران در روند همگرایی با عراق در محیط منطقه‌ای غرب آسیا در هزاره جدید

محیط منطقه‌ای غرب آسیا عرصه بازیگران متعدد همراه با اهرم‌ها و ابزارهای پیچیده است. این محیط فضای نزاع و کشمکش پایدار بین کشورها بوده و قواعد بازی ثابتی وجود ندارد. فقدان تفاهم راهبردی از یک‌سو و فقدان هماهنگی‌های فکری و سیاست‌گذاری از سوی دیگر، زمینه برداشت نادرست میان کشورها را افزایش داده است. سیستم‌ها و ساختارها برای تصرف فرصت‌ها و مقدمات، در مکان و محیط منطقه‌ای غرب آسیا به رقابت می‌پردازند و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضای جغرافیایی توسعه داده و به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و برعکس رقبا را از فضاهای مورد منازعه محروم سازند (سعیدی‌فرد و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۴۰).

الف) ژئوپلیتیک: نفوذ ژئوپلیتیکی به میزان و نحوه اثرگذاری یک بازیگر سیاسی بر فرایندهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی سایر بازیگران در ورای مرزهای سیاسی گفته می‌شود. از دیدگاه ژئوپلیتیک، ایران یکی از پرجمعیت‌ترین، وسیع‌ترین و غنی‌ترین کشورهای منطقه غرب آسیا است. ایران به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی می‌تواند شاه‌راه اقتصادی و ارتباطی جهان باشد. مهم‌ترین موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، قرار گرفتن در قلب هلال شیعی است. قرار گرفتن در منطقه شیعه‌نشین غرب آسیا اهمیت ژئوپلیتیکی ایران را چند برابر کرده است. محیط منطقه‌ای غرب آسیا به دلیل فراوانی ذخایر نفت و گاز، همچنین بازار اقتصادی مناسب برای کالاهای تولیدی کشورهای صنعتی، بسیار مهم می‌باشد. لذا، ایران با توجه به اشتراکات فرهنگی بسیار با مردم مناطق شیعه‌نشین (به‌خصوص کشور عراق) توانسته خود را به‌عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در محیط منطقه‌ای غرب آسیا تعریف کند. این کشور ضمن نقش‌آفرینی در تحولات منطقه‌ای غرب آسیا، در راستای منافع ملی به تصمیم‌گیری در مورد تحولات مهم منطقه نیز مبادرت می‌کند (محمدی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۳۴۶).

ب) ژئواکونومیک: وضعیت و جایگاه ژئواکونومیک ایران در محیط منطقه‌ای غرب آسیا در هزاره جدید، موجب شده تا این کشور خواسته یا ناخواسته در متن تحولات مهم جهانی قرار گیرد. جایگاه ژئواکونومیک ایران به علت قرار گرفتن در منطقه‌ای از جهان با حساسیت‌های امنیتی - سیاسی حاکم بر آن، همواره دستخوش تغییرات عمده‌ای بوده است. به‌گونه‌ای که در راستای تأمین توسعه، رفاه، امنیت و ارتقاء منزلت بین‌المللی خود همواره در مسیر انتخاب‌های دشواری قرار داشته، به‌طوری‌که پیوسته نیازمند بررسی و تحلیل وضعیت ژئواکونومیک خود و کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

می‌باشد، تا بتواند با ایجاد یک تعامل سازنده و مؤثر در سیاست خارجی خود، با حداکثرسازی فرصت‌های خلق شده، تهدیدات ناشی از تغییرات ژئواکونومیکی پیرامون خود را به حداقل برساند (رسولی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۰).

ج) ژئوکالچر (هویت، مذهب): مهم‌ترین ارزش دینی مشترک در میان تمامی مسلمانان، اعتقاد به دین اسلام و عمل به آموزه‌های آن است. نقش همبسته‌سازی اسلام از این جهت است که عملاً تمام جنبه‌های زندگی را تحت تأثیر قرار داده و با تجویز دستورات اخلاقی، تمامی مسلمانان را بی‌توجه به نژاد، با زبان به صورت یک جامعه معنوی (امت) متحد درمی‌آورد. ایران در منطقه غرب آسیا با ترسیم محور نفوذ خود و با تأثیرگذاری بر کشورهای این محور، از لحاظ فرهنگی و سیاسی همچون کشور عراق گام برمی‌دارد. ایران با راهبردی مشخص در حوزه سیاست خارجی در کشور عراق، هم از لحاظ سیاسی - امنیتی و هم از لحاظ فرهنگی - اقتصادی، تأثیرگذار بوده است. تأثیرگذاری در عواملی همچون نبرد با داعش در محیط جغرافیایی عراق توسط حشد الشعبی و تأثیر سیاسی - فرهنگی بر شیعیان عراق و همچنین چیدن برنامه‌هایی همچون پیاده‌روی اربعین، می‌تواند جایگاه ژئوکالچر و تأثیر منطقه‌ای ایران را دوچندان کند (جعفری و کلانی، ۱۴۰۳، ص ۱۱).

د) ژئواستراتژیک (نظامی - امنیتی): ژئواستراتژیک وضعیتی است که به صورت بالقوه قدرت کنترل جهانی را به دارنده آن می‌دهد. موقعیت ژئواستراتژیک شامل موقعیت دریایی (اعم از موقعیت ساحلی و جزیره‌ای)، موقعیت بری یا مرکزی و موقعیت استراتژیک است (نجاتی‌پور و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۹۰). منشاء اصلی تهدید یک کشور، چالش هماهنگ نبودن تدابیر دفاعی با طرح‌های ابلاغی و برنامه‌های عملیاتی است و اگر بین سیاست دفاعی با راهبردهای دفاعی - نظامی ارتباطی منطقی وجود داشته باشد، علاوه بر دفع تهدیدهای موجود، باعث ایجاد بازدارندگی منعطف می‌شود (بختیاری و محمدی، ۱۴۰۲، ص ۹۷). پایگاه گلوبال فایرپاور (متخصص در امور نظامی) در رتبه‌بندی قدرتمندترین ارتش‌های جهان، تنوع سلاح‌های هر کشور را ارزیابی می‌کند. جغرافیا، ظرفیت لجستیکی، منابع طبیعی موجود و وضعیت صنعت و اقتصاد نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. از دیگر عوامل این رده‌بندی، مواردی همچون قدرت رزم زمینی، تعداد نیروی انسانی خط مقدم برای جنگ، نیروهای نظامی آماده به رزم، تعداد تانک، سامانه‌های توپخانه‌ای، سامانه‌های موشک‌انداز و راکت انداز در رزم زمینی، جنگنده و هواپیمای ترابری و آموزشی و وضعیت نیروی دریایی مانند زیردریایی‌ها، ناوشکن‌ها و غیره به چشم می‌خورد. برخی از قوی‌ترین ارتش‌های جهان طبق گزارش گلوبال فایر پاور رتبه‌بندی به شرح زیر است: آمریکا، روسیه، چین، هند، ژاپن، کره جنوبی، فرانسه، انگلیس، برزیل، پاکستان، ترکیه، ایتالیا، مصر، ایران، آلمان، اندونزی و عربستان سعودی. کشورهای

پاکستان، مصر، ترکیه، ایران، اندونزی و عربستان به ترتیب شش قدرت برتر نظامی جهان اسلام در سال ۲۰۲۲ هستند که در میان قوی‌ترین ارتش‌های جهان جای دارند (جعفری و کلانی، ۱۴۰۳، ص ۱۳).

۴-۶. پسران‌های مؤثر در روند واگرایی در محیط منطقه‌ای غرب آسیا (ایران، عراق): خوشه‌های منطقه‌ای

نفوذ قدرت‌های بین‌المللی، منافع قدرت‌های منطقه‌ای، رقابت تسلیحاتی و نظامی، از عوامل مؤثر بی‌اعتمادی، برقرار نشدن امنیت دسته‌جمعی و نداشتن همگرایی منطقه‌ای در محیط منطقه‌ای غرب آسیا محسوب می‌شود. وجود رقابت‌های منطقه‌ای و تشنج‌های ناشی از آن، محیط منطقه‌ای غرب آسیا را ناامن نموده و به یکی از بازارهای فروش تسلیحات جهانی تبدیل کرده است. ورود بی‌رویه سلاح‌های پیشرفته و فوق پیشرفته، بدون در نظر گرفتن ظرفیت و توان منطقه‌ای، باعث بی‌ثباتی و حضور نظامی قدرت‌های بیگانه به بهانه ایجاد صلح و امنیت در منطقه شده است (ایجابی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۸).

الف) قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای: عدم اعتماد و اتکای دولتمردان بسیاری از کشورها به ملت خود از یک سو و بدبینی به همسایگان مسلمان خود از سوی دیگر، باعث شده تا این دولتمردان برای حفظ و بقای رژیم سیاسی خود، به قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی متوسل شوند. این وابستگی سیاسی باعث ایجاد پیمان‌های متعدد دوجانبه و چندجانبه بین این کشورها و قدرت‌های سلطه‌گر جهانی شده که این پیمان‌ها و اتحادها با خود تعهدهایی را به همراه دارد. همین محدودیت‌ها و تعهدها باعث شده کشورهای مسلمان توان تصمیم‌گیری در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی را به صورت مستقل نداشته باشند. بعد از پایان جنگ جهانی دوم، مؤلفه‌های سیاست خارجی امریکا در غرب آسیا مراحل مختلفی را طی کرده است: تأمین دسترسی استراتژیک به نفت در منطقه، پشتیبانی و حمایت از رژیم صهیونیستی، حفظ پایگاه‌های نظامی این کشور در منطقه، دفاع از دولت‌های هم‌پیمان و رژیم‌های دوست، مبارزه با تروریسم و متغیرهای دیگر که ممکن است سیاست خارجی امریکا و متحدان آن‌ها در منطقه را تحت تأثیر قرار دهد (فرزانه و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۴۷).

ب) تفسیر استراتژی ایران در محیط منطقه‌ای غرب آسیا (قدرت هوشمند و همگرایی): ایران با استفاده از قدرت سخت و نرم خود (قدرت هوشمند) و با شروع بحران‌های اخیر خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ میلادی به بعد، خود را به یکی از تأثیرگذارترین کشورهای منطقه محیطی غرب آسیا تبدیل کرد. ایران در زمان بحران عراق و استفاده همه‌جانبه از مؤلفه‌های قدرت هوشمند در خاورمیانه توسط این کشور، موقعیت خود را به نسبت دهه‌های گذشته تغییر داده و در زمینه مدیریت تروریسم و مسائل

امنیتی، به یک کشور مهم تبدیل شد (Anderson & Stansfeld, 2014, p. 43).

ج) ایران، قدرت هوشمند و بسیج مردمی در عراق: ایران با ایجاد بسیج عمومی نیروهای شیعی وفادار خود در عراق تحت عنوان حشد الشعبی، به‌منظور گسترش تعداد نیروهای درگیر در جبهه‌های جنگ خود در محیط منطقه‌ای غرب آسیا برآمد. ایران در زمان درگیری و تصرف قسمت‌های مهمی از خاک عراق توسط داعش، با استفاده از همین نیروهای خودی مردم عراق و بسیج آن‌ها، به کمک همسایه غربی شتافته و قسمت‌های مهمی از سرزمین تحت اشغال نیروهای تکفیری را آزاد کرده و به دولت عراق بازگرداند (الشمري، ۲۰۲۲). قبل از بحران‌های مذکور، نفوذ ایران به آن صورت که امروزه وجود دارد، محقق نشده بود. با تلاش محور مقاومت (سردار شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس) در عراق این بسیج مردمی به شکل جدی ایجاد شده و امروزه قدرت قابل‌توجهی در امور سیاسی این کشور را در دست گرفته است. ایران از طریق این جبهه‌های مردمی که ایجاد کرده، در محیط منطقه‌ای غرب آسیا قدرت عملیاتی خود را توسعه داده و خود را به‌عنوان یک وزنه اصلی در بحث تأمین امنیت و ثبات به همگان نشان داده است (علی یاری و رنجبر، ۱۴۰۳، ص ۸).

د) ایران، قدرت هوشمند و ابتکار عمل نظامی در محیط منطقه‌ای: حضور مستقیم آمریکا در محیط منطقه‌ای غرب آسیا (عراق و افغانستان) و نیز امکان حمله نظامی به ایران، به‌شدت بر نیاز این کشور به ایجاد سیستم بازدارندگی افزود (گالبریت، ۱۳۹۲). این کشور در راهبرد خود بر مبنای سیستم بازدارندگی، دو سناریو را طرح نموده است (استراتژی تدافعی و اطمینان‌سازی). در ضرورت طرح راهبرد استراتژی تدافعی (قدرت سخت) بایستی گفت که در زمان مذاکرات هسته‌ای، به‌رغم مخالفت‌های شدید اسرائیل و اعلام آمادگی برای حمله به تأسیسات هسته‌ای، اما ایران همچنان در محیط منطقه‌ای و بین‌الملل به تقویت استراتژی دفاعی خود پرداخت. برخی از مؤلفه‌های این استراتژی عبارتند از: بهره‌گیری از نیروی متعارف نظامی، افزایش توان نظامی، طراحی دفاع در عمق در صورت اشغال احتمالی، نهادینه کردن دفاع غیرنظامی در قالب نیروهای مقاومت بسیج، مدرنیزه کردن نیروهای نظامی به‌ویژه تسلیحات نظامی هوایی مانند ساخت موشک‌های با برد طولانی، تقویت قدرت نظامی کشور به‌ویژه در حوزه‌های فناوری اطلاعات و افزایش آمادگی خود برای جنگ سایبری علیه آمریکا. اما در طرح راهبرد دوم ایران در قالب اطمینان‌سازی (قدرت نرم) به سیاست تنش‌زدایی روی آورد. بر این اساس، ایران برای رفع تهدید آمریکا و اسرائیل، جنگ‌های نیابتی و سلفی‌گری و تجزیه‌طلبی، از قدرت سخت خود نیز به‌صورت هوشمند با اقداماتی چون تقویت قدرت نظامی، اعزام نیروهای مستشاری، تقویت گروه‌های نیابتی و مانورهای نظامی بهره برد (علی یاری و رنجبر، ۱۴۰۳، ص ۱۷-۸).

۵. نتیجه‌گیری

محیط منطقه‌ای غرب آسیا همواره محل منازعه و کشمکش قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. عکس‌العمل بازیگران (منطقه‌ای و بین‌المللی) به اتفاقات صورت گرفته در محیط منطقه‌ای غرب آسیا، بر استراتژی همه بازیگران در این محیط تأثیرگذار است. ایران و عراق بازیگرانی در محیط منطقه‌ای غرب آسیا به حساب می‌آیند که شیعیان بخش غالب جمعیت آن‌ها را شکل داده و هویت شیعی پس از ظهور اسلام، بخشی از مناسبات آن‌ها را رقم زده است. درحالی‌که مذهب و هویت شیعی همواره موجب نزدیکی (همگرایی) بین ایران و عراق شده، هویت‌ها و مؤلفه‌هایی همچون ناسیونالیسم، شووینیسم، سکولاریسم و هویت‌های غیرشیعی، واگرایی بین دو کشور را شکل داده است. به نظر می‌رسد که پیشران‌ها (همگرایی) در قالب مؤلفه‌هایی همچون (ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، ژئواستراتژیک) و پسران‌ها (واگرایی) در قالب مؤلفه‌هایی همچون تأثیر قدرت‌های منطقه‌ای، بین‌المللی، کنش‌های هویتی، مذهبی و ناسیونالیسم قابل تفسیر است. یافته‌ها نشان می‌دهند که، استراتژی ایران در محیط منطقه‌ای غرب آسیا براساس مؤلفه‌هایی همچون حیطه مفاهمه، حیطه معامله و حیطه مقابله تفسیر می‌شود (ارتباط محیطی با عراق در راستای حیطه مفاهمه قابل تفسیر است). همچنین پیشران‌های مؤثر (همگرایی) با برجسته‌سازی نقش ایران در قالب تئوری قدرت هوشمند در ارتباط محیطی بین ایران و عراق و زیرسویه‌های آن شامل بسیج مردمی و ابتکار عمل نظامی قابل تفسیر است. پسران‌های مؤثر (واگرایی) در ارتباط محیطی دو کشور نیز در قالب تئوری خوشه‌بندی‌های منطقه‌ای و زیرسویه‌های آن شامل تأثیر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، و کنش‌های مذهبی - هویتی قابل تفسیر است. نهایتاً اینکه، ایران و عراق به‌عنوان دو بازیگر تأثیرگذار همسو در هزاره جدید، در محیط منطقه‌ای غرب آسیا در مقاطع تاریخی گوناگون، همواره تحت تأثیر کنش‌های همگرایانه و واگرایانه برخاسته از واقعیت‌های جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی فی‌مابین در منطقه موردنظر بوده‌اند.

منابع

- اسدی، علی اکبر؛ راستگو، محمدزمان (۱۳۹۸). آینده نظام سیاسی عراق، پیشران‌ها و سناریوهای پیش‌رو. *مطالعات سیاسی جهان/اسلام*، ۸(۳۰)، ص ۱۷۰-۱۴۹.
- ایجابی، ابراهیم؛ کولیوند، خلیل؛ متقی، حمید (۱۴۰۲). تحلیل لایه‌لایه‌ای علل جنگ‌های آینده غرب آسیا. *سیاست دفاعی*، ۳۲(۱۲۵)، ص ۱۹۵-۱۵۹.
- بختیاری، ایرج؛ محمدی، اردشیر (۱۴۰۲). مدیریت تهدیدات ریزپرنده‌ها در محیط عملیاتی آینده. *آینده‌پژوهی دفاعی*، ۸(۳۱)، ص ۱۱۸-۹۵.
- بوزان، باری؛ ویور، ای. (۱۳۸۷). *مناطق و قدرت‌ها*. ترجمه رحمان قهرمانپور. تهران: مرکز تحقیقات مطالعات استراتژیک.
- ترزپور، محمد (۱۴۰۳). *آینده‌پژوهی روابط ایران و عربستان تا سال ۲۰۲۸*. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۶(۲۰)، ص ۱۱۰-۷۷.
- جعفری، سید اصغر؛ کلانی، حمید (۱۴۰۳). ظرفیت‌ها و چالش‌های ایجاد سازمان پیمان دفاعی کشورهای اسلامی غرب آسیا. *مطالعات سیاسی جهان/اسلام*، ۱۳(۴۹)، ص ۲۳-۱.
- رسولی، مجید؛ اسلامی، محسن؛ مرتضائی، نرگس (۱۴۰۲). تبیین وزن ژئوپلیتیکی ایران در معادلات امنیتی منطقه غرب آسیا (در دوران گذار). *امنیت ملی*، ۱۳(۴۸)، ص ۳۴-۹.
- الرواشدی، عبدالرحمن (۲۰۱۲). *العرب السنة فی العراق: تاریخهم- واقعهم- مستقبلهم*. مکتب مجلة البیان، قابل دسترس در: <http://hdl.handle.net/2012/spo.4750978.0013>
- الزبیدی، علی طارق (۲۰۱۸). *العوامل المؤثرة فی السياسة الخارجية العراقية فی ضوء التحولات الجدیدة*. فی: سعد عبید السعیدی، المصطفی بوجعوبوط، محمد کریم جبار الخاقانی، *السیاسة الخارجية العراقية بعد عام ۲۰۱۴*. برلین: المركز الديمقراطي العربی. قابل دسترس در: <https://www.belfercenter.org/sites/default>
- سعیدی‌فرد، علی اشرف؛ رومینا، ابراهیم؛ حافظ‌نیا، محمدرضا؛ روشنی، رضا (۱۴۰۳). شناسایی پیشران‌های نفوذ نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا. *آینده‌پژوهی دفاعی*، ۹(۳۲)، ص ۶۳-۳۷.
- الشمیری، احسان (۲۰۲۲). *السیاسة الخارجية العراقية ... التوازن الهش... تریندز للبحوث والاستشارات*. قابل دسترس در: <https://is.gd/6uqMiV>
- علی‌یاری، حسن؛ رنجبر، محمدرضا (۱۴۰۳). راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مجموعه امنیتی خاورمیانه با تأکید بر قدرت هوشمند (مطالعه موردی بحران عراق و سوریه). *بحران‌پژوهی جهان/اسلام*، ۳(۳۴)، ص ۲۱-۱.
- فرزانه، عادل؛ بوالحسنی، خسرویک، علی اصغر؛ نصیرپور، غلامرضا؛ فیاضی، حسین؛ زارعی، علی حیدر؛ صباغی، مهدی (۱۴۰۲). راهبردهای نظامی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات نظامی امریکا. *آینده‌پژوهی دفاعی*، ۸(۲۹)، ص ۷۲-۴۱.
- کشیشیان سیرکی، گارینه (۱۴۰۳). نقش انرژی در همگرایی و امنیت منطقه غرب آسیا، با تأکید بر الگوی دوستی و دشمنی ایران و عراق در حوزه انرژی. *غرب آسیا*، ۲(۴).
- کوهن، ساموئل (۱۳۸۷). *ژئوپلیتیک نظام جهانی*. ترجمه عباس کاردان. تهران: انتشارات ابرار معاصر.

- گالبرایت، پیت (۱۳۹۲). *پایان عراق؛ چگونه بی‌کفایتی آمریکا جنگ نافرجامی را رقم زد؟*. ترجمه محمدزمان راستگو و فرح‌الله اردبزی. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محمدی، شهرام؛ جعفری پابندی، سید فرشید؛ خوش‌خطی، مهدی (۱۴۰۲). ترتیبات امنیتی غرب آسیا و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران از منظر مکتب کپنهاگ. *سیاست متعالیه*، ۱۱ (۴۳)، ص ۳۳۹-۳۵۶.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۴۰۳). بحران‌های منطقه‌ای، جنگ غزه و آینده سیاسی جهان اسلام. *بحران‌پژوهی جهان اسلام*، ۱۱ (۳۳)، ص ۵۳-۳۰.
- نجاتی‌پور، مهدی؛ رومینا، ابراهیم؛ احمدی‌پور، زهرا؛ عزتی، عزت‌الله (۱۴۰۳). تحلیل عامل اکتشافی شاخص‌های سواحل ژئواستراتژیک مؤثر بر استراتژی‌های جهانی و منطقه‌ای. *آینده‌پژوهی دفاعی*، ۹ (۳۳)، ص ۸۵-۱۱۱.
- هاشمی، سید مصطفی؛ فرجی‌راد، عبدالرضا؛ سرور، رحیم (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۷.
- Buzan, B. (2003). *Regions And Powers: The Structure Of International Security*. Cambridge University Press.
- Anderson, L. & Stansfield, G. (2014). *The Future of Iraq: Dictatorship. Democracy or Division?* Martin's Press.
- Barenz, D.J. (2024). *Beyond proxies: Iran's deeper strategy in Syria and Lebanon*.
URL= <https://ecfr.eu/publication/beyond-proxies-irans-deeper-strategy-insyriaandlebanon>.
- Smagin, N. (2023). *Moscow's Original Special Operation: Why Russia Is Staying in Syria*.
URL= <https://carnegieendowment.org/russia-eurasia/politika/2023/01/moscowsoriginal-special-operation-why-russia-is-staying-in-syria?lang=en>
- Zakaria, F. (2019). The Self-Destruction of American Power; Washington Squandered the Unipolar Moment. *Foreign Affairs*, 98(4).